

سبک‌های پردازش حسی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی آنها

The Relationship Between Sensory Processing Styles and Marital Satisfaction

A. H. Adlparvar, M. A.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

M. S. Sadeghi, Ph.D. ✉

A. Adlparvar, M. A.

S. Khodabakhsh

امیرحسین عدل‌پرور

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد

دکتر محمدعلی مظاهری

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره‌السادات صادقی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

آزاده عدل‌پرور

کارشناسی ارشد عمومی، دانشگاه شهید بهشتی

سمیه خدابخش

دریافت مقاله: ۸۸/۶/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۶/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۲۷

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between sensory processing styles and marital satisfaction.

The following self-report measures were given to 136 participant couples (272 women and men) from Tehran who were selected through available

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی پرداخته است. نمونه پژوهش شامل ۱۳۶ زوج (۲۷۲ نفر) ساکن شهر تهران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش عبارتند از پروفایل پردازش حسی نوجوان - بزرگسال (براون و دان، ۲۰۰۲).

✉Corresponding author: Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran.
Tel: +9802129902387
Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷
پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

sampling and completed Adolescent/Adult Sensory Profile and Enrich marital satisfaction scale. Data was analyzed through Pearson correlation method. Research findings indicated a positive significant relationship between couple's sensation seeking and marital satisfaction of themselves and their partners; and there is a negative significant relationship between couple's low registration, sensation avoiding and sensory sensitivity styles and marital satisfaction of themselves and their partners. Results of relationship between men and women's score distance in each sensory processing style and marital satisfaction indicate that there is a positive significant relationship between couples score distance in sensation seeking and sensation avoiding and men's marital satisfaction; and there is a negative significant relationship between couples score distance in low registration and their marital satisfaction.

Keywords: sensory processing style (sensation seeking, low registration, sensation avoiding and sensory sensitivity), marital satisfaction.

فرم ۴۰ سؤالی مقیاس رضایتمندی زناشویی انریچ، هنجار شده برای جامعه ایرانی (عسگری، بهمنی و تمدنی، ۱۳۸۵). داده‌های پژوهش با روش همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

نتایج نشان داد که سبک جست‌وجوگری حسی در زنان و مردان با رضایتمندی زناشویی آن‌ها و همسران‌شان رابطه مثبت معنادار دارد و سبک‌های پردازش حسی مثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی در زنان و مردان با رضایتمندی زناشویی آن‌ها و همسران‌شان رابطه منفی معنادار دارد. نتایج حاصل از بررسی رابطه احتمالی فاصله نمرات زوجین در هر سبک پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی آن‌ها، نشان داد فاصله نمرات زن و شوهر در جست‌وجوگری حسی و اجتناب‌گری حسی با رضایتمندی زناشویی مردان رابطه مثبت معنادار دارد و فاصله نمرات زن و شوهر در ثبت پایین با رضایتمندی زناشویی زنان و مردان رابطه منفی معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک پردازش حسی (جست‌وجوگری حسی، ثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی)، رضایتمندی زناشویی

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که در زندگی هر انسانی رخ می‌دهد. در حالی که برخی از ازدواج‌ها مشوق رشد و شکوفایی زوجین است، برخی از زن و شوهرها می‌توانند برای یکدیگر مشکلاتی را فراهم کنند. در واقع چرا بعضی از زوجها با تفاهم و سازگاری و رضایت، زندگی را می‌گذرانند، در حالی که برخی دیگر از همسران در حل و فصل ساده‌ترین مسائل زندگی با دشواری و سردرگمی مواجه هستند. اغلب زوجها اظهار می‌کنند در برخورد با اشخاصی غیر از همسر خود

مشکلی ندارند اما به ندرت می‌توانند با درک لازم، روابط صمیمانه خود را شکوفایی بخشند (بک^۱، ۱۳۸۶).

تانی گوچی، فریمن و تایلور (۲۰۰۶) اعتقاد دارند هر یک از همسران با پیشینه‌های تحولی، سبک شخصیتی، ترکیب عوامل زیست‌شناختی - محیطی و با تجربیات گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند. از بین این متغیرها نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل و ابعاد شخصیتی یکی از مهم‌ترین عواملی است که کیفیت رابطه زناشویی را به خوبی پیش‌بینی می‌کند (شیوتا و لونسون، ۲۰۰۷؛ وانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

پردازش حسی^۲ به عنوان یک متغیر شخصیتی شاید اساسی‌ترین عنصر روانی چگونگی درک و دریافت محیط اطراف و واکنش افراد به آن باشد (صدوقی، وفایی و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۶). این سازه یک مفهوم کلی است و به شیوه‌ای که سیستم اعصاب به منظور دریافت، سازمان‌دهی و درک درون‌داده‌های حسی به‌کار می‌گیرد، اشاره می‌کند. همچنین پردازش حسی به عنوان یک فرآیند درونی سیستم عصبی در نظر گرفته می‌شود که بر مبنای اطلاعات حسی به‌دست آمده از محیط اطراف (به عنوان مثال درون‌داده‌های شنوایی و بینایی) و درون بدن (به عنوان مثال گیرنده‌های حس دهلیزی و حس مفصلی)، فرد را نسبت به آن‌چه برایش اتفاق می‌افتد آگاه ساخته و او را قادر می‌سازد که دریابد چگونه به مقتضای موقعیت واکنش نشان دهد (میلر و لین، ۲۰۰۰).

دان (۲۰۰۱) یک مدل چهارعاملی پردازش حسی را مطرح کرده است. نظریه پردازش حسی دان بیان می‌کند که هر فرد شیوه خاصی برای پردازش درون‌داده‌های حسی دارد. به عبارت دیگر افراد به شیوه‌های گوناگون و گاهی متضاد نسب به یک محرک یکسان، واکنش نشان می‌دهند. روی‌آورد پردازش حسی^۳ بر این نظر متمرکز است که همه افراد در میزان دریافت اطلاعات حسی و نحوه پاسخ‌دهی به آن‌ها در هر یک از دو پیوستار^۴ [آستانه عصبی^۵ بالا - آستانه عصبی پایین] و [فعال^۶ - منفعل^۷] جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهند که بر حسب موقعیت‌شان در هر کدام از این دو پیوستار، در یکی از ۴ سبک پردازش حسی جست‌وجوگری حسی^۸، ثبت پایین^۹، اجتناب‌گری حسی^{۱۰} و حساسیت‌پذیری حسی^{۱۱} قرار می‌گیرند و بر اساس آن نیز درون‌داده‌های خود را تنظیم می‌کنند (براون و دان، ۲۰۰۲).

افرادی که آستانه عصبی بالایی دارند، به تعداد کمی از محرک‌ها پاسخ می‌دهند و در واکنش به محرک‌ها تأخیر دارند، در حالی که افراد با آستانه عصبی پایین به علت آمادگی بیشتر نورون‌های عصبی به تعداد بیشتری از محرک‌ها پاسخ می‌دهند. از سوی دیگر در یک قطب پیوستار فعال - منفعل افرادی وجود دارند که از فعالیت‌هایی که با زندگی طبیعی‌شان تداخل دارد، استقبال می‌کنند و در دریافت یا عدم دریافت محرک واجد سبکی فعال هستند و در قطب دیگر پیوستار افرادی وجود دارند که در فعالیت‌ها به هیچ‌گونه مشارکتی گرایش ندارند و برای پاسخ‌دهی به محرک‌های حسی و

اجرای عملکرد نیازمند دریافت حمایت بیشتر از طرف محیط هستند، به این معنی که در دریافت یا عدم دریافت محرک واجد سبکی منفعل هستند. بنابراین از ترکیب دو پیوستار مذکور، ۴ سبک پردازش حسی پدید می‌آید: جست‌وجوگری حسی نشانگر آستانه‌های عصبی بالا همراه با گرایش به فعالیت در ارتباط با این آستانه‌ها است. به این معنی که نمره بالا در این سبک نشان می‌دهد که فرد آستانه‌های حسی بالایی دارد و برای کسب تحریک بیشتر برانگیخته می‌شود.

ثبت پایین نشانگر آستانه‌های عصبی بالا و گرایش به انفعال در ارتباط با این آستانه‌ها است. یعنی نمره بالا در این سبک نشان‌دهنده این است که فرد صرفاً آستانه‌های حسی بالایی دارد. اجتناب‌گری حسی نشانگر آستانه‌های عصبی پایین همراه با گرایش به فعالیت در ارتباط با این آستانه‌ها است. یعنی نمره بالا در این سبک نشان می‌دهد که آستانه‌های حسی فرد پایین است و برای کاهش دادن سطح تحریک برانگیخته می‌شود. حساسیت‌پذیری حسی نشانگر آستانه‌های عصبی پایین و گرایش به انفعال در ارتباط با این آستانه‌ها است. یعنی نمره بالا در این سبک صرفاً بیانگر این است که آستانه‌های حسی فرد پایین است (براون و دان، ۲۰۰۲).

مطالعاتی که همه شکل‌های پروفایل حسی را مورد استفاده قرار داده‌اند از این مدل پردازش حسی حمایت می‌کنند (براون، کروم ول^{۱۲}، فیلیون^{۱۳}، دان و تولفسون^{۱۴}، میلس^{۱۵} و اور^{۱۶}، ۲۰۰۲؛ براون، تولفسون، دان، کروم ول و فیلیون، ۲۰۰۱؛ ارمر^{۱۷} و دان، ۱۹۹۸؛ دان، ۱۹۹۷؛ دان و براون، ۱۹۹۷؛ کینتز^{۱۸} و دان ۱۹۹۷؛ همگی به نقل از براون و دان، ۲۰۰۲). بنابراین راهی که هر کس به محرک‌های حسی پاسخ می‌دهد منحصر به فرد است که هم بر اساس متغیرهای ژنتیکی و هم متغیرهای محیطی تحول می‌یابد (کلارک برک، ۲۰۰۶).

آرون و آرون (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵) مطرح کردند که چگونگی پردازش حسی با درون‌گرایی و کمرویی مرتبط است. بهمین (۲۰۰۶) نیز گزارش داد که بین چگونگی پردازش حسی و شاخص‌های سلامت (مانند تجربه استرس بیشتر) ارتباط مستقیمی وجود دارد. لیز، تیمل، باکسلی و کیلینگزورث (۲۰۰۵) به بررسی حساسیت در پردازش حسی، محدودکنندگی والدینی^{۱۹}، اضطراب و افسردگی پرداختند. اگرچه بعضی پژوهش‌ها به رابطه بین حساسیت در پردازش حسی و مشکلات روان‌شناختی اشاره کرده‌اند، اما نمره بالای حساسیت در پردازش حسی الزاماً زمینه‌ساز عاطفه منفی^{۲۰} نیست، ولی شاید بتوان گفت با ضعف در فرزندپروری رابطه دارد. نتایج پژوهش آن‌ها روی ۲۱۳ دانشجو نشان داد حساسیت در پردازش حسی با و بدون در نظر گرفتن فاکتورهای والدینی، پیش‌بینیکننده اضطراب و افسردگی است (لیز و همکاران، ۲۰۰۵).

در همین روند مطالعاتی، اما با زمینه‌ای متفاوت جرومه و لیز (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان رابطه بین سبک‌های پردازش حسی، سبک دلبستگی عاشقانه^{۲۱} بزرگسالان و شیوه‌های مقابله‌ای انجام دادند. نتایج این پژوهش روی ۱۳۳ شرکت‌کننده نشان داد که حساسیت‌پذیری حسی با اضطراب

رابطه^{۲۲} (سبک دل‌بستگی نایمن دوسوگرا)، همبستگی مثبت دارد. شاید بتوان نتیجه به دست آمده را به نوعی مربوط به شیوه مقابله‌ای هیجان‌مدار^{۲۳} و برون‌ریزی هیجانی^{۲۴} مرتبط با این سبک دانست. اجتناب‌گری حسی با اجتناب از رابطه^{۲۵} (سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی) همبستگی دارد. ثبت پایین، هم با اضطراب رابطه و هم با اجتناب از رابطه همبستگی دارد و رابطه بین ثبت پایین و اضطراب رابطه به نوعی به شیوه مقابله‌ای انکار^{۲۶} و قطع رابطه^{۲۷} مربوط می‌شود. جست‌وجوگری حسی با سبک دل‌بستگی ایمن رابطه دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سبک‌های پردازش حسی می‌تواند بر توانایی افراد در زمینه شیوه‌های مقابله و سبک‌های ارتباطی آن‌ها، اثرگذار باشد. در راستای توجه به شواهد موجود در مطالعات ذکر شده و رابطه چگونگی پردازش حسی با برون‌ریزی هیجانی و نوع عاطفه افراد، پژوهش کج‌باف و همکاران (۱۳۸۴) نیز نشان داد که در زوج‌هایی با رضایتمندی کمتر در مقایسه با زوج‌های راضی، همخوانی کمتری بین نمرات هیجان‌خواهی مشاهده می‌شود.

بنابراین با عنایت به این‌که رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی در مطالعات متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است (هامبد، دانلان، یاکونو و برت، ۲۰۱۰؛ مک کری، ۲۰۰۸؛ واتسون و همکاران، ۲۰۰۴) و از آن‌جا که روی آورد پردازش حسی نیز به یکی از ویژگی‌های مزاجی و تعاملی افراد می‌پردازد که طبق مطالعات ذکر شده با شیوه‌های مقابله‌ای و ابرازگری هیجانی آن‌ها مرتبط می‌باشد و هم‌چنین فقدان مطالعاتی در خصوص رابطه این مؤلفه بر میزان رضایتمندی زناشویی زوجین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سطح رضایتمندی زناشویی زوجین و شیوه پردازش حسی آن‌ها انجام شده است تا پاسخگوی این گونه سؤال‌ها باشد که آیا بین سبک‌های پردازش حسی افراد و میزان رضایتمندی زناشویی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ آیا بین سبک‌های پردازش حسی افراد و میزان رضایتمندی زناشویی همسران‌شان رابطه معناداری وجود دارد؟ و آیا بین میزان فاصله نمرات زوجین در سبک‌های پردازش حسی با میزان رضایتمندی زناشویی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زوج‌های (زن و شوهر) ساکن شهر تهران در محدوده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال می‌باشد. از این جامعه آماری به روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۳۶ زوج (۲۷۲ نفر) در پژوهش شرکت نمودند. جهت تکمیل پرسش‌نامه‌ها، پرسشگران به اماکن عمومی و محل‌های پرتردد افراد (مانند مراکز خرید، پارک‌ها و بوستان‌ها و ...) مراجعه نمودند و بسته‌های پرسش‌نامه را

در اختیار زوجین قرار می‌دادند. این بسته‌ها شامل دو پاکت A4 (هر یک حاوی یک دفترچه پرسش‌نامه و یک برچسب آماده برای چسباندن در پاکت توسط آزمودنی) و یک پاکت A3 (به منظور تفکیک پرسش‌نامه‌های هر زوج به همراه برچسب جهت چسباندن در پاکت) بود که باید توسط زن و شوهر تکمیل می‌شد. بسته‌ها به همراه آدرس و شماره تماس پژوهشگر و هزینه لازم برای پست در اختیار زوجین قرار داده می‌شد و زوجین پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، بسته‌ها را به پژوهشگر بازمی‌گرداندند. با توجه به تعداد نمونه در نظر گرفته شده تعداد بسیار زیادی پاکت توزیع شد تا با کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش و بازگردانده نشده در نهایت ۱۳۶ زوج به‌طور کامل به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند.

ابزارهای پژوهش

پروفایل حسی نوجوان - بزرگسال (براون و دان، ۲۰۰۲): پروفایل حسی نوجوان - بزرگسال یک پرسش‌نامه خودسنجی برای محدوده سنی نوجوان تا بزرگسال است. این پرسش‌نامه شامل ۶۰ آیتم می‌باشد که پاسخ‌های افراد را در برابر تجربیات حسی نشان می‌دهد. با توجه به این‌که هر یک از سبک‌های پردازش حسی ۱۵ سؤال دارد، نمره هر سبک پردازش حسی (جست‌وجوگری حسی، ثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی) عبارت است از مجموع نمره سؤالات مربوط به هر سبک. بنابراین حداقل نمره در هر سبک پردازش حسی ۱۵ و حداکثر نمره در هر سبک پردازش حسی ۷۵ خواهد بود. نمرات چهارگانه‌ای که از پروفایل حسی نوجوان - بزرگسال به‌دست می‌آید، بیانگر سبک پردازش حسی فرد خواهد بود که بر اساس آستانه‌های نورولوژیکی و پاسخ‌های رفتاری فرد نسبت به این آستانه‌ها مشخص می‌شود.

هر فرد ترکیبی از این چهار سبک پردازش حسی را دارد. این پروفایل چگونگی پردازش حسی در حواس مختلف را نیز به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل ۶ زیرمقیاس پردازش حسی طعم - بو، حرکت، بینایی، لامسه، سطح فعالیت و شنوایی است. بنابراین علاوه بر نمره کلی پردازش حسی، در هر زیرمقیاس و برای هر یک از حواس نیز به‌طور مجزا نمره‌ای به‌دست می‌آید. ضمناً براون و دان بر اساس پژوهش‌هایی که در کشور آمریکا انجام داده‌اند، برای هر محدوده سنی نرم‌هایی را ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهند کدام سبک یا سبک‌های پردازش حسی در فرد غالب است. روایی^{۲۸} این آزمون در مطالعات متعددی از جمله آرون و آرون (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵) مورد تأیید قرار گرفته است. روایی همگرایی این مقیاس نیز از طریق همبستگی با مقیاس‌های برون‌گرایی اجتماعی، نظم‌جویی هیجانی، حساسیت به نور و الکل به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۶۵، ۰/۳۲ و ۰/۳۹ به‌دست آمده است. اعتبار^{۲۹} آزمون، در مطالعه‌ای که با استفاده از پروفایل حسی نوجوان - بزرگسال در آمریکا روی ۶۱۵ نفر انجام شد، (شامل ۳۸/۸٪ مرد و ۶۱/۲٪ زن، در محدوده سنی ۱۷ تا ۷۹ سال) با روش برآورد ضرایب

همسانی درونی^{۳۰} محاسبه شد که این ضرایب برای سبک‌های جست‌وجوگری حسی، ثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۲، ۰/۶۶، ۰/۸۱ محاسبه گردید (براون و دان، ۲۰۰۲). این آزمون در ایران هم در مطالعات گوناگونی از جمله صدوقی و همکاران (۱۳۸۶)، عدل‌پرور (۱۳۸۷) استفاده شده است و در پژوهش حاضر نیز اعتبار آن از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به‌دست آمد.

مقیاس رضایتمندی زناشویی انریچ

این پرسش‌نامه توسط اولسون، فورنیر و درانکمن (۱۹۸۹) طراحی شده است و به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قدرت و پربرسازی روابط زناشویی به‌کار می‌رود (ثنایی، ۱۳۷۹). فرم اولیه این پرسش‌نامه شامل یک فرم بلند ۱۱۵ سؤالی است که شامل ۱۲ زیرمقیاس می‌باشد. اولسون و همکاران اعتبار این پرسش‌نامه را با روش ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند و فرم کوتاه مقیاس رضایتمندی زناشویی انریچ (۴۷ سؤالی) توسط سلیمانیان تهیه شد و ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه گردید که عدد ۰/۹۵ به‌دست آمد (کجباف و همکاران، ۱۳۸۴). عسگری و همکاران (۱۳۸۵) به رواسازی، اعتباریابی و استانداردسازی مقیاس رضایتمندی زناشویی انریچ ۴۷ سؤالی برای جامعه ایرانی پرداختند و نتایج رواسازی عاملی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چندین بار چرخش متمایل و متعامل انجام گرفت که در نهایت مقیاس با حذف ۷ سؤال به‌صورت فرم ۴۰ سؤالی درآمد و روایی آن از طریق تحلیل عاملی تأیید شد (عسگری و همکاران، ۱۳۸۵).

این مقیاس از ۶ زیرمقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: رضایتمندی کلی، جهت‌گیری مذهبی، فرزندان و فرزندپروری، رابطه جنسی، اختلافات و تعارضات ضمنی (گهگاهی)، خودرایی و روابط بین‌فردی نامناسب. نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده رضایتمندی بیشتر است. ضرایب همسانی درونی برای برآورد اعتبار، برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۱ و برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۷۰، ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۶۶ و با روش دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون و گاتمن به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به‌دست آمد (عسگری و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر اعتبار پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان و شوهران گروه نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان و مردان گروه نمونه

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	داده‌های معتبر (N)
سن	زنان	۳۶/۰۶	۱۰/۸۹	۲۱	۶۷	۱۳۲
	شوهران	۴۱/۰۴	۱۱/۹۳	۲۵	۷۳	۱۲۷
تحصیلات (سال)	زنان	۱۳/۷	۲/۸۶	۳	۲۲	۱۳۵
	شوهران	۱۴/۱۳	۳/۲۳	۵	۲۲	۱۳۴
طول مدت ازدواج	زوجین	۱۴ سال	۱۱	کمتر از یک‌سال	۴۴ سال	۱۳۵

در جدول ۱، بیشترین درصد فراوانی سن هم در زنان و هم در شوهران آن‌ها، مربوط به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال بوده و بیشترین فراوانی سطح تحصیلات، مقطع لیسانس است. در متغیر طول مدت ازدواج، بیشترین درصد فراوانی مربوط به زوجینی است که ۱ تا ۵ سال از ازدواج‌شان می‌گذرد. ۲۱/۳٪ زوجین گروه نمونه دارای فرزند نبودند. از بین زوجینی که فرزند داشتند، فرزند اول ۲۵/۲٪ آن‌ها زیر ۵ سال بود و ۱۱/۸٪ آن‌ها دارای فرزند متأهل بودند.

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی هر یک از چهار سبک پردازش حسی در زنان و شوهران گروه نمونه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین نمرات زنان در سه سبک جست‌وجوگری حسی، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی بیشتر از میانگین نمره شوهران آن‌ها است، ولی در سبک پردازش حسی مثبت پایین میانگین نمره شوهران بیشتر از زنان می‌باشد.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی سبک‌های پردازش حسی در زنان و مردان گروه نمونه

سبک‌های پردازش حسی	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
جست‌وجوگری حسی	زن	۱۳۶	۴۹/۲۲	۶/۹۶
	شوهر	۱۳۶	۴۷/۲۵	۷/۴۳
مثبت پایین	زن	۱۳۶	۲۹/۳۱	۶/۴۱
	شوهر	۱۳۶	۳۰/۱۱	۶/۶۸
اجتناب‌گری حسی	زن	۱۳۶	۳۸/۱۸	۷/۳۲
	شوهر	۱۳۶	۳۷/۱۸	۸/۶۹
حساسیت‌پذیری حسی	زن	۱۳۶	۳۸/۷۸	۶/۶۳
	شوهر	۱۳۶	۳۷/۹۲	۸/۰۱

مقایسه تفاوت میانگین نمرات زنان و شوهران آن‌ها در سبک‌های پردازش حسی با استفاده از آزمون t دو گروه همبسته نشان داد که بین میانگین نمرات زنان و شوهران آن‌ها در سبک پردازش جست‌وجوگری حسی با اطمینان ۹۹٪ ($t = 2/78$) تفاوت معنادار وجود دارد. در مورد سایر سبک‌ها تفاوت معنادار نبود. به منظور بررسی سؤالات پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شده

است. یافته‌های آماری شامل ضرایب همبستگی و سطح معناداری هر یک از سبک‌های پردازش حسی با زیرمقیاس‌های رضایتمندی زناشویی، در جدول‌های ۳ و ۴ ارائه شده است. همچنین ضرایب همبستگی و سطح معناداری قدر مطلق فاصله نمرات زن و شوهر در هر یک از سبک‌های پردازش حسی با زیرمقیاس‌های رضایتمندی زناشویی آن‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به این‌که تعداد ۲۹ زوج از زوج‌های گروه نمونه فرزند نداشته‌اند، در زیرمقیاس فرزند و فرزندپروری و نمره کل رضایتمندی زناشویی تعداد گروه نمونه (N) به ۱۰۷ زوج کاهش یافته است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی نمرات چهار سبک پردازش حسی زنان با رضایتمندی زناشویی خود آن‌ها و همسران‌شان در هر زیرمقیاس

زیرمقیاس‌ها	تعداد	جست‌وجوگری حسی		ثبت پایین		اجتناب‌گری حسی		حساسیت‌پذیری حسی	
		مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری
رضایتمندی کلی زنان	۱۳۶	۰/۰۵۴	۰/۵۳۶	-۰/۰۴۴	۰/۶۱۱	-۰/۰۵۳	۰/۵۴۰	-۰/۰۲۲	۰/۷۹۵
جهت‌گیری مذهبی زنان	۱۳۶	۰/۲۰°	۰/۰۲۰	-۰/۲۲°	۰/۰۱۰	-۰/۱۸°	۰/۰۳۷	-۰/۱۴۵	۰/۰۹۲
فرزند و فرزندپروری زنان	۱۰۷	۰/۰۱۹	۰/۸۴۹	-۰/۱۰۴	۰/۲۸۸	۰/۰۷۸	۰/۴۲۷	-۰/۰۶۵	۰/۵۰۶
رابطه جنسی زنان	۱۳۶	۰/۰۷۳	۰/۰۱۴	-۰/۱۶۵	۰/۰۵۵	-۰/۰۷۰	۰/۴۱۶	-۰/۰۷۲	۰/۴۰۵
اختلافات و تعارضات ضمنی زنان	۱۳۶	۰/۰۲۲	۰/۰۸	-۰/۱۴۴	۰/۰۹۵	-۰/۱۱۶	۰/۱۷۷	-۰/۱۱۸	۰/۱۷۰
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب زنان	۱۳۶	۰/۰۷۴	۰/۳۹۱	-۰/۱۱۸	۰/۱۷۰	-۰/۰۳۰	۰/۷۲۵	۰/۰۳۸	۰/۶۶۲
نمره کل رضایتمندی زناشویی زنان	۱۰۷	۰/۰۶۱	۰/۵۳۴	-۰/۱۳۶	۰/۱۶۳	۰/۰۱۲	۰/۸۹۹	-۰/۰۴۳	۰/۶۵۸
رضایتمندی کلی شوهران	۱۳۶	۰/۰۳۴	۰/۶۹۵	-۰/۲۵°	۰/۰۰۴	-۰/۰۹۱	۰/۲۹۲	-۰/۱۹°	۰/۰۲۲
جهت‌گیری مذهبی شوهران	۱۳۶	۰/۱۰۵	۰/۲۲۴	-۰/۰۰۷	۰/۹۲۴	-۰/۰۵۰	۰/۵۶۴	۰/۰۵۸	۰/۵۰۳
فرزند و فرزندپروری شوهران	۱۰۷	۰/۱۶۳	۰/۰۹۳	-۰/۲۲°	۰/۰۲۲	-۰/۰۰۲	۰/۹۸۰	۰/۰۱۷	۰/۸۶۳
رابطه جنسی شوهران	۱۳۶	۰/۲۲°	۰/۰۱۰	-۰/۳۳°	۰/۰۰۷	-۰/۱۳۲	۰/۱۲۵	-۰/۱۶۱	۰/۰۶۱
اختلافات و تعارضات ضمنی شوهران	۱۳۶	۰/۰۴۲	۰/۶۲۴	-۰/۲۳°	۰/۰۰۸	-۰/۲۰°	۰/۰۱۷	-۰/۱۹°	۰/۰۲۷
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب شوهران	۱۳۶	۰/۰۹۵	۰/۲۷۰	-۰/۱۱۰	۰/۲۰۴	-۰/۰۸۹	۰/۳۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۹۷۷
نمره کل رضایتمندی زناشویی شوهران	۱۰۷	۰/۰۸۸	۰/۳۶۶	-۰/۲۱°	۰/۰۲۷	-۰/۰۶۳	۰/۵۱۷	-۰/۰۷۵	۰/۴۴۵

* $p \leq 0.05$

در جدول ۳ پاسخ سؤال اول که آیا بین سبک‌های پردازش حسی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخ به این سؤال ابتدا نمرات چهار سبک پردازش حسی زنان با رضایتمندی زناشویی خودشان و همسران‌شان مورد بررسی قرار گرفت، سپس همین تحلیل در مورد سبک‌های پردازشی مردان و رضایتمندی زناشویی خودشان و همسران‌شان انجام شد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سبک‌های پردازش حسی زنان با جهت‌گیری مذهبی خودشان و نیز با رضایتمندی زناشویی شوهران‌شان ارتباط دارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی نمرات چهار سبک پردازش حسی مردان با رضایتمندی زناشویی

خود آن‌ها و همسران‌شان در هر زیرمقیاس

زیرمقیاس‌ها	تعداد	جست‌وجوگری حسی		ثبت پایین		اجتناب‌گری حسی		حساسیت‌پذیری حسی	
		مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری
رضایتمندی کلی زنان	۱۳۶	۰/۰۲۴ -	۰/۷۸۴	۰/۱۳۸ -	۰/۱۱۰	۰/۱۱۶ -	۰/۱۷۸	۰/۱۴۲ -	۰/۰۹۸
جهت‌گیری مذهبی زنان	۱۳۶	۰/۰۱۷ -	۰/۸۴۵	۰/۱۰۹ -	۰/۲۰۸	۰/۰۵۱	۰/۵۸	۰/۰۵۵ -	۰/۵۲۷
فرزند و فرزندپروری زنان	۱۰۷	۰/۱۲۲	۰/۲۰۹	۰/۱۹ [°] -	۰/۰۴۷	۰/۰۸۰ -	۰/۴۱۳	۰/۱۵۸ -	۰/۱۰۵
رابطه جنسی زنان	۱۳۶	۰/۰۳۱	۰/۷۲۰	۰/۲۳ ^{**} -	۰/۰۰۸	۰/۱۵۲ -	۰/۰۷۸	۰/۱۵۸ -	۰/۰۶۶
اختلافات و تعارضات ضمنی زنان	۱۳۶	۰/۰۱۳ -	۰/۸۸۱	۰/۰۴۱ -	۰/۶۳۷	۰/۱۱۳ -	۰/۱۹۲	۰/۱۴۷ -	۰/۰۸۸
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب زنان	۱۳۶	۰/۰۴۴	۰/۶۱۳	۰/۰۷۲ -	۰/۴۰۳	۰/۰۸۴ -	۰/۳۳۲	۰/۰۸۱ -	۰/۳۴۸
نمره کل رضایتمندی زناشویی زنان	۱۰۷	۰/۰۱۷	۰/۸۶۱	۰/۱۴۵ -	۰/۱۳۶	۰/۱۱۱ -	۰/۲۵۶	۰/۱۴۰ -	۰/۱۵۰
رضایتمندی کلی مردان	۱۳۶	۰/۱۲۵	۰/۱۴۷	۰/۲۴ ^{**} -	۰/۰۰۵	۰/۱۸ [°] -	۰/۰۳۷	۰/۱۳۴ -	۰/۱۲۰
جهت‌گیری مذهبی مردان	۱۳۶	۰/۱۲۱ -	۰/۱۵۹	۰/۱۰۶ -	۰/۲۱۹	۰/۰۰۲	۰/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹۲
فرزند و فرزندپروری مردان	۱۰۷	۰/۱۳۸	۰/۱۵۶	۰/۲۴ [°] -	۰/۰۱۱	۰/۱۵۶ -	۰/۱۰۸	۰/۱۷۲ -	۰/۰۷۷
رابطه جنسی مردان	۱۳۶	۰/۲۳ ^{**}	۰/۰۰۹	۰/۲۲ [°] -	۰/۰۱۱	۰/۲۵ ^{**} -	۰/۰۰۳	۰/۱۵۴ -	۰/۰۷۴
اختلافات و تعارضات ضمنی مردان	۱۳۶	۰/۰۶۳	۰/۴۶۶	۰/۲۸ ^{**} -	۰/۰۰۱	۰/۱۶۳ -	۰/۰۵۸	۰/۲۳ ^{**} -	۰/۰۰۹
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب مردان	۱۳۶	۰/۱۰۶	۰/۲۱۷	۰/۲۲ ^{**} -	۰/۰۱۰	۰/۱۷ [°] -	۰/۰۴۴	۰/۲۰ [°] -	۰/۰۲۲
نمره کل رضایتمندی زناشویی مردان	۱۰۷	۰/۰۵۴	۰/۵۸۲	۰/۲۲ [°] -	۰/۰۲۰	۰/۱۴۲ -	۰/۱۴۲	۰/۱۴۷ -	۰/۱۳۱

** $p \leq 0.01$ * $p \leq 0.05$

این ارتباط به‌گونه‌ای است که ثبت پایین زنان با رضایتمندی کلی، فرزندپروری، رابطه جنسی، اختلافات و تعارضات و نمره کلی مقیاس رضایتمندی شوهران‌شان رابطه معکوس دارد و جست‌وجوگری حسی با میزان رضایت شوهران از رابطه جنسی رابطه مستقیم دارد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سبک پردازش حسی مردان در اکثر زیرمقیاس‌ها با رضایتمندی زناشویی خودشان رابطه معنادار داشته و فقط در دو زیرمقیاس با رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معنادار دارد. به عبارت دیگر رضایتمندی مردان، رضایت از فرزند و فرزندپروری، رضایت از رابطه جنسی، رضایت از اختلاف و تعارض، خودرأیی و نمره کلی رضایتمندی آن‌ها با سبک پردازش ثبت پایین رابطه معکوس دارد.

جدول ۵: ضرایب همبستگی میزان فاصله نمرات زنان و شوهران آن‌ها در چهار سبک پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی آن‌ها در هر زیرمقیاس

زیرمقیاس‌ها	تعداد	جست‌وجوگری حسی		ثبت پایین		اجتناب‌گری حسی		حساسیت‌پذیری حسی	
		مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری
رضایتمندی کلی زنان	۱۳۶	۰/۰۷۸	۰/۳۶۶	۰/۰۳۰*	۰/۰۱۹	۰/۰۲۳	۰/۷۹۰	۰/۰۹۱	۰/۲۹۰
جهت‌گیری مذهبی زنان	۱۳۶	۰/۱۲۷	۰/۱۴۱	۰/۰۲۱*	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴۲	۰/۰۹۹	۰/۱۲۱	۰/۱۶۲
فرزند و فرزندپروری زنان	۱۰۷	۰/۱۱۰	۰/۲۶۱	۰/۱۸۹*	۰/۰۵۲	۰/۰۹۶	۰/۳۲۷	۰/۰۷۱	۰/۴۷۰
رابطه جنسی زنان	۱۳۶	۰/۰۳۰	۰/۷۲۹	۰/۱۳۳*	۰/۱۲۴	۰/۰۳۴	۰/۶۹۵	۰/۰۴۷	۰/۵۸۵
اختلافات و تعارضات ضمنی زنان	۱۳۶	۰/۰۵۸	۰/۵۰۲	۰/۱۴۶*	۰/۰۹۰	۰/۰۲۳	۰/۷۹۳	۰/۱۱۷	۰/۱۷۵
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب زنان	۱۳۶	۰/۰۷۴	۰/۳۹۵	۰/۰۲۱*	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۸۸۲	۰/۰۹۹	۰/۲۵۱
نمره کل رضایتمندی زناشویی زنان	۱۰۷	۰/۱۴۶	۰/۱۳۵	۰/۱۹*	۰/۰۴۳	۰/۰۶۱	۰/۵۳۱	۰/۰۹۳	۰/۳۴۲
رضایتمندی کلی مردان	۱۳۶	۰/۰۲۴	۰/۷۸۱	۰/۱۹*	۰/۰۲۰	۰/۰۲۴	۰/۷۸۱	۰/۰۹۰	۰/۳۰۰
جهت‌گیری مذهبی مردان	۱۳۶	۰/۱۹*	۰/۰۲۲	۰/۰۲۱	۰/۰۸۰۶	۰/۰۵۲	۰/۵۳۹	۰/۰۳۷	۰/۶۶۷
فرزند و فرزندپروری مردان	۱۰۷	۰/۰۲۳*	۰/۰۱۳	۰/۰۲۶	۰/۰۷۹۱	۰/۰۲۴**	۰/۰۱۰	۰/۱۲۴	۰/۲۰۵
رابطه جنسی مردان	۱۳۶	۰/۰۰۶	۰/۹۴۸	۰/۱۰۳*	۰/۰۲۳۳	۰/۰۳۸	۰/۶۶۱	۰/۰۳۱	۰/۷۱۹
اختلافات و تعارضات ضمنی مردان	۱۳۶	۰/۰۰۱	۰/۹۹۱	۰/۱۵۸*	۰/۰۶۶	۰/۰۰۷	۰/۹۳۵	۰/۰۵۲	۰/۵۴۶
خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب مردان	۱۳۶	۰/۰۹۹	۰/۲۵۴	۰/۱۷*	۰/۰۳۸	۰/۰۲۷	۰/۷۵۹	۰/۰۵۴	۰/۵۳۵
نمره کل رضایتمندی زناشویی مردان	۱۰۷	۰/۱۸۶	۰/۰۵۴	۰/۱۷۵*	۰/۰۷۱	۰/۱۲۴	۰/۲۰۳	۰/۰۵۵	۰/۵۷۵

** $p \leq 0.01$ * $p \leq 0.05$

هم‌چنین رضایت از رابطه جنسی و خودرأیی و رضایتمندی نیز با اجتناب‌گری حسی رابطه معکوس و معنادار دارد. رضایت زنان از فرزندپروری و رابطه جنسی با ثبت پایین شوهران‌شان رابطه دارد.

در جدول ۵ میزان فاصله نمرات زنان و شوهران آن‌ها در سبک‌های پردازش حسی که حاصل قدر مطلق تفاضل نمره زنان از شوهران در هر یک از سبک‌های پردازش حسی است، با رضایتمندی زناشویی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

همان‌طور که نتایج تحلیل داده‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد، فاصله نمرات زن و شوهران در سبک‌های پردازش حسی به‌گونه‌ای است که در این جدول نیز همانند جدول‌های قبلی ثبت پایین از میان سبک‌های پردازش حسی با رضایتمندی زنان و شوهران آن‌ها و نیز میزان خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب رابطه منفی دارد. جست‌وجوگری حسی با جهت‌گیری مذهبی مردان و فرزندپروری آن‌ها رابطه مستقیم مثبت دارد.

بحث و تفسیر

به طور خلاصه یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد سبک‌های پردازش حسی زنان با جهت‌گیری مذهبی خودشان و نیز با رضایتمندی زناشویی شوهران‌شان ارتباط دارد. این ارتباط به‌گونه‌ای است که ثبت پایین زنان با رضایتمندی کلی، فرزندپروری، رابطه جنسی، اختلافات و تعارضات و نمره کلی مقیاس رضایتمندی شوهران‌شان رابطه معکوس دارد و جست‌وجوگری حسی با میزان رضایت شوهران از رابطه جنسی رابطه مستقیم دارد (جدول ۳). هم‌چنین سبک پردازش حسی مردان در اکثر زیرمقیاس‌ها با رضایتمندی زناشویی خودشان رابطه معنادار داشته و فقط در دو زیرمقیاس با رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معنادار دارد. به عبارت دیگر رضایتمندی مردان، رضایت از فرزند و فرزندپروری، رضایت از رابطه جنسی، رضایت از اختلاف و تعارض، خودرأیی و نمره کلی رضایتمندی آن‌ها با سبک پردازش ثبت پایین رابطه معکوس دارد. هم‌چنین رضایت از رابطه جنسی و خودرأیی و رضایتمندی نیز با اجتناب‌گری حسی رابطه معکوس و معنادار دارد. رضایت زنان از فرزندپروری و رابطه جنسی با ثبت پایین شوهران‌شان رابطه دارد (جدول ۴).

در تبیین احتمالی یافته‌های فوق ابتدا باید به رابطه نزدیک مفهوم هیجان‌خواهی زاگرمن^{۳۱} و مفهوم جست‌وجوگری حسی اشاره کرد (دان، ۲۰۰۱). مقایسه چهار مؤلفه هیجان‌خواهی زاگرمن و مفهوم سبک جست‌وجوگری حسی در مدل براون و دان (۲۰۰۲)، نزدیک بودن این دو مفهوم به یکدیگر را به روشنی نشان می‌دهد. زاگرمن (۱۹۹۴ به نقل از شولتز، ۱۳۸۱) نشان داد افرادی که نمره بالا در مقیاس هیجان‌خواهی گرفته‌اند نسبت به آن‌هایی که نمره پایین در مقیاس هیجان‌خواهی گرفته‌اند در نگرش‌های مذهبی و سیاسی خود آزاداندیش‌تر هستند. پژوهش حاضر

نشان داده است زنانی که در جست‌وجوگری حسی نمرات بالایی گرفته‌اند از رضایتمندی زناشویی بیشتری در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی برخوردار هستند. می‌توان گفت آزاداندیشی در مورد مسائل مذهبی به عنوان یک ویژگی مشترک برای افرادی که در هیجان‌خواهی و جست‌وجوگری حسی نمرات بالایی دریافت می‌کنند، باعث می‌شود این افراد بتوانند در مورد مسائل اعتقادی، دیدگاه‌های متعددی را مشاهده نمایند و با ترکیب و کنار هم قراردادن دیدگاه‌ها به رضایتمندی بیشتری دست یابند.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بالا بودن نمره جست‌وجوگری حسی در زنان و شوهران آن‌ها با افزایش میزان رضایتمندی در روابط جنسی مردان همراه است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، جست‌وجوگری حسی نشانگر آستانه‌های عصبی بالا همراه با گرایش به فعالیت در ارتباط با این آستانه‌ها است. به این معنی که نمره بالا در این سبک نشان می‌دهد که فرد آستانه‌های حسی بالایی دارد و برای کسب تحریک بیشتر برانگیخته می‌شود. زاگرمین (۱۹۹۴) به نقل از شولتز، (۱۳۸۱) نیز در پژوهش‌های خود نشان داد افرادی که نمره بالاتری در مقیاس هیجان‌خواهی گرفته‌اند از آن‌هایی که نمره پایین‌تری در مقیاس هیجان‌خواهی گرفته‌اند، بیشتر به فعالیت‌های جنسی می‌پردازند. به نظر می‌رسد افرادی که در جست‌وجوگری حسی و هیجان‌خواهی نمره بالایی می‌گیرند، با توجه به ویژگی تحریک‌طلبی و هیجان‌خواهی که دارند، بیشتر نسبت به فعالیت جنسی به عنوان یک فعالیت تحریک‌کننده، علاقمند هستند و بیشتر از آن لذت می‌برند. این یافته‌ها افزایش رضایتمندی از رابطه جنسی در مردانی که در جست‌وجوگری حسی نمره بالایی گرفته‌اند را توجیه می‌کند. از سوی دیگر می‌توان گفت زنانی که در جست‌وجوگری حسی نمره بالایی می‌گیرند به دلیل ویژگی تحریک‌طلبی و هیجان‌خواهی که دارند، بیشتر به مشارکت در فعالیت‌های جنسی علاقه نشان می‌دهند که افزایش رضایتمندی از رابطه جنسی مردانی که زنان‌شان در جست‌وجوگری حسی نمرات بالایی گرفته‌اند را تبیین می‌کند.

از یافته‌های قابل توجه این پژوهش همبستگی مثبت پایین با رضایتمندی زوجین بود. ثبت پایین در زنان با جهت‌گیری مذهبی رابطه منفی نشان داد. به عبارت دیگر زنانی که در ثبت پایین نمره بالایی می‌گیرند از رضایتمندی زناشویی کمتری در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی برخوردار هستند. ثبت پایین در مردان نیز با پنج زیرمقیاس رضایتمندی زناشویی آن‌ها (رضایتمندی کلی، فرزند و فرزندپروری، رابطه جنسی، اختلافات و تعارضات ضمنی و خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب) رابطه منفی معنادار دارد. ضمناً ثبت پایین در مردان با نمره کل رضایتمندی زناشویی آن‌ها نیز رابطه منفی معنادار دارد.

یافته‌های پژوهش جرومه و لیز (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که ثبت پایین با اضطراب و با اجتناب از رابطه، همبستگی مثبت دارد. یافته‌های این پژوهشگران نشان داد اضطراب رابطه در افرادی که نمره

بالایی در ثبت پایین می‌گیرند به نوعی مربوط به مکانیزم‌های دفاعی ناکارآمد انکار و قطع رابطه می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشین و پژوهش حاضر می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد؛ افرادی که نمرات بالایی در ثبت پایین می‌گیرند در روابطشان اضطراب بیشتری تجربه می‌کنند. بنابراین اضطراب می‌تواند به عنوان یک احساس ناخوشایند، کاهش رضایتمندی زناشویی زنان و مردانی که در ثبت پایین نمرات بالایی گرفته‌اند را توجیه کند. براون و دان (۲۰۰۲) بیان می‌کنند افرادی که در ثبت پایین نمرات بالایی می‌گیرند به علت آستانه‌های بالایی که دارند دیرتر برانگیخته می‌شوند و ضمناً بیشتر منفعل هستند. این دو ویژگی باعث می‌شود که آن‌ها وارفته و بی‌حس و حال به‌نظر برسند. بنابراین ثبت پایین، هم با مکانیزم دفاعی انکار و هم با بی‌حس و حالی و وارفتگی رابطه دارد. گویا آن‌ها می‌کوشند ضعف‌هایشان را که از بی‌حس و حالی آن‌ها ناشی می‌شود، انکار کنند زیرا آستانه‌های بالا و سطح فعالیت پایینی که دارند برای خود آن‌ها مطلوب است. بنابراین آن‌ها افراد و وقایع دیگر زندگی‌شان را ناهماهنگ با ویژگی‌های خود می‌دانند که این نیز به نوبه خود رضایتمندی زناشویی آن‌ها را کاهش می‌دهد. ویژگی افراد ثبت پایین به علت اضطراب و اجتناب در رابطه و بی‌حالی و دیر پاسخ‌دادن به واکنش‌ها نه‌تنها بر روابط زناشویی تأثیرگذار است، بلکه رضایت فرزند و فرزندپروری را نیز کاهش می‌دهد. با توجه به اینکه زنان دوست دارند همسرشان مشارکت فعالی در تربیت فرزندان داشته باشد، وارفتگی و بی‌حس و حالی مردان و منفعل بودن آن‌ها این نیاز زنان را پاسخگو نمی‌باشد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر وجود رابطه منفی معنادار بین اجتناب‌گری حسی در زنان با زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی است. هم‌چنین اجتناب‌گری حسی در مردان با سه زیرمقیاس رضایتمندی زناشویی آن‌ها (رضایتمندی کلی، رابطه جنسی و خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب) رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش جرومه و لیز (۲۰۰۵) نشان می‌دهد بین اجتناب‌گری حسی با اجتناب از رابطه، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. شاید بتوان این یافته را به آستانه‌های پایین این افراد نسبت داد. به عبارت دیگر از آنجایی که نمره بالا در اجتناب‌گری حسی نشان‌دهنده آستانه‌های پایین در فرد است، افرادی که نمرات بالایی در این سبک پردازش حسی دریافت می‌کنند، ظرفیت کمتری را برای تحمل تحریکاتی که مجاورت با همسرشان برای آن‌ها به همراه خواهد داشت، دارند، به همین دلیل با احتمال بیشتری در تعامل با همسرشان آزرده می‌شوند که این به نوبه خود، آن‌ها را به سمت کاهش برقراری هر نوع رابطه با همسرشان سوق می‌دهد. از سوی دیگر بررسی اجمالی آیت‌های مربوط به زیرمقیاس‌هایی که با نمره بالا در اجتناب‌گری حسی رابطه منفی معنادار دارند، نشان می‌دهد برخی ماده‌ها در این زیرمقیاس‌ها عملکرد افراد را منعکس می‌کنند، نه الزاماً میزان رضایتمندی آن‌ها را. گویا در مقیاس رضایتمندی زناشویی این‌طور فرض شده است که وقتی افراد گرایش بیشتری به هرگونه ارتباط با همسرشان دارند، از رضایتمندی

زناشویی بالاتری برخوردار هستند. بنابراین شاید نمره پایین در این زیرمقیاس‌ها که با افزایش نمره اجتناب‌گری حسی همبستگی دارد، الزاماً نشان‌دهنده رضایتمندی کمتر فرد از رابطه زناشویی نباشد و فقط گرایش کمتر او نسبت به رابطه را منعکس کند. اجتناب‌گری حسی زنان با رضایتمندی زناشویی شوهران‌شان در زیرمقیاس اختلافات و تعارضات ضمنی رابطه منفی معنادار دارد. پژوهش فرالی و شیور (۱۹۹۸ به نقل از پروین، ۱۳۸۱) ضمن بررسی رفتارهای اجتنابی در زنان و مردان نشان داد سبک دلبستگی اجتنابی با رفتارهای مربوط به اجتناب از رابطه در زنان رابطه مثبت معنادار دارد که رفتارهای کمتر حمایت‌کننده و بیشتر اجتنابی را شامل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اجتناب‌گری حسی حداقل در زنان با سبک دلبستگی اجتنابی رابطه دارد. پژوهش‌های زیادی مانند پژوهش عیدی و خانجانی (۱۳۸۵) نشان داده‌اند که رضایتمندی زناشویی در زوج‌هایی که یکی یا هر دوی آن‌ها سبک دلبستگی اجتنابی دارند، کمتر از سایر زوج‌ها است.

یافته‌های پژوهش در مورد رابطه حساسیت‌پذیری حسی زنان و مردان و رضایتمندی زناشویی نشان می‌دهد بین حساسیت‌پذیری حسی زنان و مردان و سه زیرمقیاس رضایتمندی زناشویی مردان (رضایتمندی کلی، اختلافات و تعارضات ضمنی و خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب) رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش لیز و همکاران (۲۰۰۵) به منظور بررسی رابطه حساسیت در پردازش حسی با اضطراب و افسردگی، بیان می‌کند که حساسیت در پردازش حسی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اضطراب و افسردگی باشد. بنابراین می‌توان گفت افرادی که نمرات بالاتری در حساسیت‌پذیری حسی می‌گیرند بیشتر از سایر مردم افسرده و مضطرب هستند. از سوی دیگر پژوهش‌هایی نظیر پژوهش شفیع‌ی کاندجانی و همکاران (۱۳۸۶) وجود رابطه منفی بین افسردگی و اضطراب با رضایتمندی زناشویی و پژوهش بخشی و همکاران (۱۳۸۶) وجود رابطه منفی بین افسردگی با رضایتمندی زناشویی را بیان می‌کنند. بنابراین افسردگی و اضطراب به عنوان دو مؤلفه مرتبط با حساسیت‌پذیری حسی، می‌تواند کاهش رضایتمندی زناشویی مردانی که خودشان یا همسرشان نمرات بالایی در این سبک پردازش حسی گرفته‌اند را توجیه کند. یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه حساسیت‌پذیری حسی با یافته‌های پژوهش جرومه و لیز (۲۰۰۵) نیز همسو است. نتایج پژوهش آن‌ها نیز نشان می‌دهد که حساسیت‌پذیری حسی با اضطراب رابطه، همبستگی مثبت دارد. آن‌ها بیان می‌کنند که شاید بتوان نتیجه به‌دست آمده را به نوعی مربوط به شیوه مقابله‌ای هیجان‌مدار و برون‌ریزی هیجانی مربوط به این سبک دانست. پژوهش‌های بسیاری مانند پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهند که بین شیوه‌های مقابله‌ای ناکارآمد با رضایتمندی زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش اسکرون (۲۰۰۰) بیان می‌کند زوجینی که هر دو واکنش هیجانی شدید نشان می‌دهند رضایتمندی زناشویی متزلزلی دارند.

بنابراین شیوه مقابله‌ای هیجان‌مدار به عنوان یک شیوه مقابله‌ای ناکارآمد مرتبط با حساسیت‌پذیری حسی نیز، کاهش رضایتمندی زناشویی مردان را توجیه می‌کند.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، فاصله نمرات زن و شوهر در جست‌وجوگری حسی با رضایتمندی زناشویی مردان در دو زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی و فرزند و فرزندپروری رابطه مثبت معناداری دارد. به این معنی که افزایش فاصله نمره جست‌وجوگری حسی زن از نمره جست‌وجوگری حسی شوهر با افزایش رضایتمندی زناشویی شوهر در دو زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی و فرزند و فرزندپروری همراه است. بین فاصله نمرات زن و شوهر در ثبت پایین با سه زیرمقیاس رضایتمندی زناشویی زنان (رضایتمندی کلی، جهت‌گیری مذهبی و خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب) به‌علاوه نمره کل رضایتمندی آن‌ها رابطه منفی معنادار وجود دارد. میزان فاصله در نمرات ثبت پایین زن و شوهر با دو زیرمقیاس رضایتمندی زناشویی مردان (رضایتمندی کلی و خودرأیی و روابط بین‌فردی نامناسب) نیز رابطه منفی معنادار را نشان می‌دهد. بین فاصله نمرات زن و شوهر در اجتناب‌گری حسی با رضایتمندی زناشویی مردان در زیرمقیاس فرزند و فرزندپروری رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بین فاصله نمرات زن و شوهر در حساسیت‌پذیری حسی با رضایتمندی زناشویی زنان و مردان نیز رابطه معناداری مشاهده نشد.

اگرچه نتایج اکثر پژوهش‌ها مانند پژوهش بلوم و محراییان (۲۰۰۱) و کجباف و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی رابطه مؤلفه‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی بیان می‌کنند که این شباهت‌های زن و شوهر هستند که با رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت دارند، نه تفاوت‌های آن‌ها، ولی بسیاری از پژوهش‌ها هم مانند پژوهش گاتیس و همکاران (۲۰۰۴) نشان می‌دهند که شباهت شخصیتی زوجین و جور بودن مؤلفه‌های شخصیتی آن‌ها به‌طور همه‌جانبه با افزایش میزان رضایتمندی زناشویی آن‌ها پیوند نخورده است. یافته‌های پژوهش‌های آن‌ها نشان می‌دهد شباهت زن و شوهر در مؤلفه روان‌رنجورخویی با میزان رضایتمندی زناشویی آن‌ها پیوند نخورده است.

قابل ذکر است دو سبک جست‌وجوگری حسی و اجتناب‌گری حسی از این نظر که یکی به آستانه‌های بالا و دیگری به آستانه‌های پایین مربوط می‌شود، با یکدیگر متفاوت هستند، ولی از نظر سطح فعالیت هر دو به فعال بودن در مواجهه با محرک‌های حسی گرایش دارند. از آن‌جا که فرزند از بدو تولد مجموعه‌ای از محرک‌های حسی را برای والدین به همراه دارد، نحوه واکنش زن و شوهر نسبت به این محرک‌ها تعیین خواهد کرد که هر یک از آن‌ها چگونه و چه میزان به فرزندشان خواهند پرداخت. بنابراین وقتی شکل و میزانی که زن و شوهر درگیر فرزندپروری می‌شوند با هم متفاوت است، این احتمال وجود دارد فعالیت‌های زن و شوهر در واکنش به فرزندشان حالت مکمل‌بودن پیدا کند و در مجموع فضای رضایت‌بخش‌تری را حداقل برای مردان در زمینه فرزندپروری ایجاد نماید. به‌طور کلی در تفسیر یافته‌های مربوط به سؤال سوم پژوهش، اشاره به این

نکته ضروری به نظر می‌رسد که تفاوت زن و شوهر در نمرات مربوط به یک سبک پردازش حسی الزاماً به معنی متفاوت بودن یا عدم شباهت آن‌ها نیست، زیرا نمرات به دست آمده در هر سبک بر اساس سؤالات مربوط به دو پیوستار عمود بر هم آستانه بالا - آستانه پایین و فعال - منفعل محاسبه شده است. این واقعیت در مورد مدل پردازش حسی نشان می‌دهد که اختلاف نمرات زن و شوهر در یک سبک پردازش حسی می‌تواند ناشی از شباهت آن‌ها روی یک پیوستار و تفاوت آن‌ها روی پیوستار دیگر باشد. به عنوان مثال ممکن است زن و شوهر هر دو به یک اندازه از آستانه‌های بالایی برخوردار باشند، ولی در پیوستار فعالیت تفاوت زیادی داشته باشند. بنابراین می‌توان گفت محاسبه فاصله نمرات زنان و مردان در هر سبک پردازش حسی قادر نیست به طور مجزا شباهت یا تفاوت زن و شوهر روی هر یک از دو پیوستار آستانه و سطح فعالیت را نشان دهد. بنابراین شاید ابداع ابزاری که علاوه بر چهار نمره مربوط به هر سبک پردازش حسی، نمره‌ای برای سطح آستانه‌ها و نمره‌ای برای سطح فعالیت فرد به طور مجزا در اختیار قرار دهد، بتواند تشخیص تفاوت‌های افراد در زمینه پردازش حسی را به طور دقیق‌تری امکان‌پذیر سازد.

از آن‌جا که بر اساس یافته‌های نظریه پردازش حسی، برای افراد با نمرات بالا یا پایین در هر سبک پردازش حسی راهبردهای مداخلاتی ارائه شده است، به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین و این پژوهش، مداخلات مناسب‌تری به منظور بهبود روابط زناشویی طراحی کرد. بررسی میزان اثربخشی این مداخلات بر رضایتمندی زناشویی می‌تواند راهگشای کاربردی شدن این یافته‌ها در محیط‌های بالینی باشد. همان‌طور که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، سبک‌های پردازش حسی زنان و مردان عمدتاً با رضایتمندی زناشویی مردان رابطه معناداری داشته است، به نظر می‌آید بررسی این یافته و علل آن از طریق پژوهش‌های بیشتر حائز اهمیت است. همچنین با توجه به تعدد عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی زناشویی، پژوهش‌هایی که تعداد بیشتری از متغیرهای مزاحم را تحت کنترل قرار دهد، نتایج دقیق‌تری را در اختیار قرار خواهد داد. از آن‌جا که پژوهش حاضر در گروهی از زنان و شوهران در دسترس انجام شده است، یافته‌های پژوهش‌هایی که جامعه آن‌ها گروه خاصی از زوجین باشد، ابعاد دیگری از رابطه سبک‌های پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی را نشان خواهد داد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------------|--------------------------|
| 1. Beck | 17. Ermer |
| 2. Sensory processing | 18. Kientz |
| 3. Sensory processing approach | 19. Parental bonding |
| 4. Continuum | 20. Negative affect |
| 5. Neurological threshold | 21. Romantic attachment |
| 6. Active | 22. Relationship anxiety |

- | | |
|-------------------------|--|
| 7. Passive | 23. Coping style of focusing on emotions |
| 8. Sensation seeking | 24. Venting emotions |
| 9. Low registration | 25. Relationship avoidance |
| 10. Sensation avoiding | 26. Coping style of denial |
| 11. Sensory sensitivity | 27. Disengagement |
| 12. Cromwell | 28. Validity |
| 13. Filion | 29. Reliability |
| 14. Tollefson | 30. Internal consistency |
| 15. Myles | 31. Zuckerman |
| 16. Orr | |

منابع

- بخشی، ح.؛ اسدیپور، م. و خدادادی‌زاده، ع. (۱۳۸۶). ارتباط رضایت از روابط زناشویی با افسردگی زوجین. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*. ۱۱ (۲): ۴۳-۳۷.
- بشارت، م.ع.؛ تاشک، آ. و رضازاده، س.م. (۱۳۸۵). تبیین رضایت زناشویی و سلامت روانی بر حسب سبک‌های مقابله. *روان‌شناسی معاصر*. ۱۱(۱): ۴۸ - ۵۶.
- بک، آ. (۱۳۸۶). *عشق هرگز کافی نیست: شیوه‌های نو برای حل مشکلات زناشویی و خانوادگی بر اساس شناخت درمانی*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: آسیم.
- پروین، ل. و جان، ال. (۱۳۸۱). *شخصیت نظریه و پژوهش*. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، چاپ اول، تهران: آییژ.
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۳(۹): ۴۵۳ - ۴۴۳.
- خدابنده، ن. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی در زنان شاغل و غیرشاغل دانشجوی در دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- شفیعی‌کندجانی، ع.؛ آذر، ماهیار؛ جان‌بزرگی، م.؛ نوحی، س. و حسینی، س.ر. (۱۳۸۶). بررسی همبستگی آسیب‌شناسی روانی زنان و رضایتمندی زناشویی. *پژوهنده*. بهمن و اسفند ۱۳۸۶؛ ۱۲: ۴۹۰ - ۴۸۳.
- شولتز، د. و شولتز، سی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چاپ چهارم. تهران: ویرایش.
- صدوقی، ز. و وفایی، م. و زاده‌طباطبایی. (۱۳۸۶). ارتباط حساسیت پردازش حسی با شیوه‌های فرزندپروری و شاخص‌های آسیب‌شناسی روانی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۹: ۳۲-۲۳.
- عارف‌نظری، م. و مظاهری، م.ع. (۱۳۸۵). *رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنوع‌طلبی جنسی*. ارائه‌شده در دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- عسگری، ع.؛ بهمنی، ب. و تمدنی، م. (۱۳۸۵). *رواسازی، اعتباریابی و استاندارد ساختن مقیاس رضایت زناشویی انریچ برای جامعه ایرانی*. ارائه شده در دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، پژوهشکده خانواده. دانشگاه شهید بهشتی.

عیدی، ر. و خانجانی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز. ۲۱ (۲ و ۳): ۱۷۵-۲۰۱.

کجباف، م. ب.؛ نشاط‌دوست، ح. ط. و خالوئی، ق. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایتمندی زناشویی. دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. ۱۲ (۱۰): ۷۸ - ۶۹.
نظری، ع. م. (۱۳۸۶). مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی. تهران: نشر علم.

- Blum, Jeffrey S.; Mehrabian, Albert. (2001). Personality and Temperament Correlates of Marital Satisfaction. *Journal of Personality*. 67, 1: 93 - 125.
- Behman, G. (2006). The highly sensitive person: Stress and physical symptom reports. *Personality and Individual Differences*, 40, 1433-1440.
- Brown, Catana; Dunn, Winnie. (2002). *Adolescent/Adult Sensory Profile: Self Questionnaire*. San Antonio: The Psychological Corporation. A Harcourt Assessment Company.
- Clark Brack, Jenny. (2006). *Sensory Processing Disorder: Simulations And Solutions for Parents, teachers and therapist*. Family & Relationships - Autism Asperger Pub Co.
- Dunn, Winnie. (2001). The Sensation of Everyday life: Empirical, Theoretical, and Pragmatic Considerations. *The American Journal of Occupational Therapy*, 55(6), 608 - 620.
- Gattis, Krista S. ; Berns, Sara ; Simpson, Lorelei E. ; Christensen, Andrew (2004). Birds of a feather or strange birds? ties among personality dimensions, similarity, and marital quality. *Journal of family psychology* , 18, 4: 564 - 574.
- Humbad, M. N., Donnellan, M. B., Iacono, W. G., & Burt, S. A. (2010). The association of marital quality with personality and psychopathology: Results from a very large sample of married couples. *Journal of Abnormal Psychology*, 119, 151-162.
- Jerome, Elisabeth M. ; Liss, Miriam (2005). Relationships between sensory processing style, adult attachment, and coping. *Personality and Individual Differences*. 38(6): 1341 - 1352.
- Liss, Miriam; Timmel, Laura; Baxley, Kelin; Killingsworth, Patrick (2005). Sensory processing sensitivity and its relation to parental bonding, anxiety, and depression. *Personality and Individual Differences*:39(8):1429 - 1439.
- McCrae, R. R., Martin, T. A., Hrebickova, M., Urbaneck, T., Boomsma, D. I., Willemssen, G., et al. (2008). Personality trait similarity between spouses in four cultures. *Journal of Personality*, 76, 1137-1163.
- Miller, L. & Lane, S. (2000). *Toward a Consensus in terminology in sensory integration theory and practice: part 1: taxonomy of neurophysiological processes*. Sensory Integration Special Interest Section Quarterly (23:2), American Occupational Therapy Association, Rockville Maryland.
- Shiota, M. N., & Levenson, R. W. (2007). Birds of a Feather Don't Always Fly Farthest: Similarity in Big Five Personality Predicts More Negative Marital Satisfaction Trajectories in Long-Term Marriages. *Psychology and Aging*, 22(4), 666-675.
- Skowron, Elizabeth A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*.47(2), 229 - 237.
- Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor, S. (2006). A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *Journal of Experiential Education*, 28(3), 253 - 256.

Watson, D., Klohnen, E. C., Casillas, A., Simms, E., Haig, J., & Berry, D. S. (2004). Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of Personality*, 72, 1029–1068.

